

بررسی بیگانگی از مدرسه و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

حسن نظری خیابا^۱

محسن نوغانی دخت بهمنی^۲

حسین اکبری^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۳۰

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی رابطه بین بیگانگی از مدرسه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شهر خواف بود. برای این منظور، ۴۳۵ دانش‌آموز مدارس متوسطه دوم شهر خواف به صورت تصادفی و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به سؤالاتی در زمینه بیگانگی از مدرسه پاسخ دادند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ای مشتعل بر سه بعد اصلی بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی استفاده گردید که پایایی به روش ضریب آلفای کرونباخ این ابعاد به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۹۶ و ۰/۹۷ محاسبه شد. از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها نشان داد که بیگانگی از مدرسه با عملکرد تحصیلی رابطه منفی و معنی‌داری داشتند. همچنین در بررسی رابطه بین ابعاد بیگانگی از مدرسه و عملکرد تحصیلی نتایج حاکی از آن بود که بین دو بعد بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی با عملکرد تحصیلی رابطه منفی و معنی‌داری برقرار بود، با این حال بی‌قدرتی با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری داشت. همچنین دانش‌آموزان دختر و پسر بیگانگی، بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی متفاوتی داشتند، بدین ترتیب که در سه متغیر بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی و بیگانگی، دانش‌آموزان پسر نمرات بیش‌تری کسب کرده‌اند، این در حالی است که دانش‌آموزان دختر بی‌قدرتی بیشتری نسبت به دانش‌آموزان پسر تجربه کرده‌اند. در نهایت، دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی نمرات متفاوتی در بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن کسب کرده بودند. بنابراین نتایج این تحقیق نشان داد که بیگانگی بیشتر از مدرسه، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را کاهش خواهد داد.

کلید واژه‌ها: بیگانگی از مدرسه، بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، عملکرد تحصیلی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

^۲ دانشیار گروه آموزشی علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران noghani.mohsen@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

مقدمه

هر سازمانی از خروجی‌هایش برای سنجش عملکرد سازمان بهره می‌گیرد که خروجی نظام‌های آموزشی مانند مدارس، نمرات و میزان قبولی دانش‌آموزان است. حتی نمرات و معدل در نظام آموزش و پرورش کنونی ایران نقش مهمی در آینده دانش‌آموزان (مانند قبولی در دانشگاه با تأثیر معدل امتحانات نهایی) بازی می‌کند. بنابراین شناسایی عواملی که تأثیر مثبت یا منفی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد، ضروری است.

در ادبیات تحقیقات آموزشی رابطه متغیرهای زیادی با عملکرد تحصیلی بررسی شده است که از جمله متغیرهای مستقلی که در تحقیقات اخیر مورد استفاده قرار گرفته است، می‌توان به مشغولیت والدین^۱ (کاسترو و همکاران، ۲۰۱۵)، تنوع فرهنگی کلاس (کنان^۳ و همکاران، ۲۰۱۰)، التزام دانش‌آموز^۴ (وایس و گارسیا، ۲۰۱۵)، استفاده از تلفن همراه و تکنولوژی (لپ‌ع و همکاران، ۲۰۱۴؛ لی^۷ و همکاران، ۲۰۱۵)، ترکیب و تنوع نژادی مدرسه (درانکرز و ون در ولدن^۸، ۲۰۱۳؛ پراکیچ-بروئر^۹ و همکاران، ۲۰۱۲)، سبک فرزند پروری (پنکوورت^{۱۰}، ۲۰۱۵)، ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی دانش‌آموزان (تومال و پولات^{۱۱}، ۲۰۱۳) و ... اشاره کرد.

یکی از متغیرهای دیگری که در ادبیات تحقیق با عملکرد و موفقیت تحصیلی مرتبط شده، بیگانگی^{۱۲} از مدرسه است (کرونینگر و لی^{۱۳}، ۲۰۰۱؛ وهلج و روتر^{۱۴}، ۱۹۸۵؛ براون^{۱۵} و همکاران،

-
1. Parental involvement
 2. Castro
 3. Konan
 4. Student engagement
 5. Weiss&García
 6. Lepp
 7. Li
 8. Dronkers & Van der Velden
 9. Prokic-Breuer
 10. Pinquart
 11. Tomul & Polat
 12. Alienation
 13. Croninger & Lee
 14. Wehlage & Rutter
 15. Brown

۲۰۰۳؛ آتنافو، ۲۰۱۳؛ جانسون، ۲، ۲۰۰۵؛ کلمن، ۳ و همکاران، ۱۹۶۶). کلمن و همکارانش (۱۹۶۶) (۱۹۶۶) در مطالعه فراگیرشان در نظام آموزشی آمریکا دریافتند که موفقیت تحصیلی با حس کنترل دانش‌آموز بر سرنوشتش (به عبارت دیگر احساس بی‌قدرتی) رابطه نیرومندی دارد. دانش‌آموزانی که احساس کنند قدرت اندکی بر زندگی‌شان دارند، کمتر می‌آموزند؛ در نتیجه بیگانگی از مدرسه رابطه‌ای معکوس با موفقیت و عملکرد تحصیلی دارد (کرونینگر و لی، ۲۰۰۱؛ وهلج و روتر، ۱۹۸۵؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ آتنافو، ۲۰۱۳؛ جانسون، ۲۰۰۵؛ کلمن و همکاران، ۱۹۶۶)، بنابراین در هر اقدام ضروری برای بهبود عملکرد دانش‌آموزان بیگانه شده باید به شرایط زندگی تحصیلی آن‌ها که بیگانگی آن‌ها را به دنبال دارد، توجه شود.

بیگانگی از مدرسه: علل و پیامدها

بیگانگی اصطلاحی است که برای احساس غریبگی دانش‌آموز در فرآیند یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد (براون و همکاران، ۲۰۰۳). مان (۲۰۰۱) بیگانگی را «حالت یا تجربه منزوی بودن از گروه یا فعالیتی که فرد باید نسبت به آن احساس تعلق داشته باشد یا ملزم به انجام آن باشد» (ص: ۷)، تعریف کرد. همچنین مان (۲۰۰۱) از بیگانگی به عنوان یک استراتژی صیانت از خود تعبیر کرد. نیومن (۱۹۸۱) چهار جنبه اساسی بیگانگی دانش‌آموز را بی‌قدرتی^۶، بی‌هنجاری^۷، بی‌معنایی^۸ و و انزوای اجتماعی^۹ دانست. به تعبیر نیومن (۱۹۸۱) بی‌قدرتی به برداشت دانش‌آموز از عدم کنترل شخصی بر یادگیری اشاره دارد؛ بی‌هنجاری فقدان رفتارهای قاعده‌مند و مناسب را نشان می‌دهد؛ بی‌معنایی تفسیر دانش‌آموزان بیگانه شده از برنامه درسی را توصیف می‌کند که آن را با نیازهای کنونی و آتی‌شان نامرتب می‌داند؛ تنهایی و جدایی از همسالان و معلمان نیز نشان‌دهنده انزوای اجتماعی است. بیگانگی به عنوان سازه‌ای مفید برای درک مکانیسم‌های مرتبط با خروجی‌های

1. Atnafu

2. Johnson

3. Coleman

4. Mann

5. Newmann

6. powerlessness

7. normlessness

8. meaninglessness

9. Social isolation

یادگیرنده و اتخاذ استراتژی‌هایی برای مقابله با افت تحصیلی دانش‌آموز در نظر گرفته شده است (ردن، ۱، ۲۰۰۲؛ تیلور، ۲، ۲۰۰۰؛ ثورپ، ۳، ۲۰۰۳).

بیگانگی در زمینه‌های آموزشی می‌تواند به عنوان یک فرآیند (کارلسون، ۴، ۱۹۹۵) یا به جای ویژگی شخصیتی، در ارتباط با زمینه توصیف شود (دین، ۵، ۱۹۶۱). بیگانگی در بین نوجوانان و جوانان اساساً اساساً به زمینه‌های آموزشی (رافالایز و هوی، ۶، ۱۹۷۱) و محیط خانه و خانواده (برانفینر، ۷، ۱۹۸۶) (۱۹۸۶) نسبت داده می‌شود. در نظام‌های آموزشی، بیگانگی بر عاملیت یادگیرندگان درون ساختار نابرابر نظام آموزشی تمرکز دارد (نیومن، ۱۹۸۱؛ ویلیامسون و گولینگفورد، ۸، ۱۹۹۷).

علل بیگانگی دانش‌آموز شامل عوامل چندبعدی برنامه درسی، عوامل نهادی و اجتماعی - فرهنگی می‌شود (براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ هافمن، ۹، ۲۰۰۱؛ ردن، ۲۰۰۲؛ روکاک، ۱۰ و همکاران، ۲۰۰۳؛ تیلور، ۲۰۰۱؛ تراستی و دولی-دیککی، ۱۱، ۱۹۹۳). در تحقیقات داخلی انجام شده در زمینه بیگانگی دانش‌آموزان و دانشجویان، تأکید محققان بیشتر بر عوامل مؤثر بر بیگانگی تحصیلی بوده است (محمودی و همکاران، ۲۰۱۵؛ امانی ساری‌بگلو و همکاران، ۱۳۹۳؛ بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳؛ غلامی و همکاران، ۱۳۹۲؛ موسوی و حیدرپور مرند، ۱۳۹۱؛ ذکایی و اسماعیلی، ۱۳۹۰). همچنین در زمینه عوامل مؤثر بر بیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان، بیشتر بر فرهنگ سازمانی مدرسه یا دانشگاه تأکید شده است (محمودی و همکاران، ۲۰۱۵؛ امانی ساری‌بگلو و همکاران، ۱۳۹۳؛ بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳؛ غلامی و همکاران، ۱۳۹۲) که در اکثریت آن‌ها محققان به تأثیر منفی و معنی‌دار فرهنگ مدرسه یا دانشگاه بر بیگانگی اشاره کرده‌اند. در تحقیقات داخلی، تاکنون تحقیقی به بررسی پیامدهای بیگانگی از مدرسه و به طور خاص به بررسی تأثیر بیگانگی از مدرسه بر عملکرد تحصیلی نپرداخته است و تمرکز اصلی محققان بر عوامل مؤثر بر بیگانگی بوده است. در ادامه علل بیگانگی از

¹ Redden

² Taylor

³ Thorpe

⁴ Carlson

⁵ Dean

⁶ Rafalides & Hoy

⁷ Bronfenbrenner

⁸ Williamson & Cullingford

⁹ Huffman

¹⁰ Rokach

¹¹ Trusty & Dooley-Dickey

مدرسه در تحقیقات خارج از کشور به صورت ترکیبی بررسی خواهند شد و در نهایت پیامدهای بیگانگی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

دانش‌آموزان بیگانه شده با برنامه درسی حس عدم تجانس دارند و آن را عاری از فرصت‌هایی برای ایجاد روابط معنی‌دار می‌دانند که چنین گسستی موجب بی‌علاقگی نسبت به فرآیند یادگیری می‌شود (پاریش ۱ و پاریش، ۲۰۰۰). بر اساس نظر مان (۲۰۰۱)، بیگانگی محصول فرآیند تدریس و یادگیری‌ای است که مشخصه آن انطباق کامل و محروم بودن از خلاقیت است. فراش (۱۹۹۱) استدلال کرد که بسیاری از آداب مدارس و دانشگاه‌ها با تأکید بیش از حد بر فایده‌گرایی، شاخص‌های عملکرد قابل اندازه‌گیری و استانداردهای صلاحیت و شایستگی، دانش‌آموزان و دانشجویان را بیگانه می‌کنند (به نقل از جانسون، ۲۰۰۵). در دیدگاهی فراگیرتر، راس (۲۰۰۰) اظهار داشت که جوامع کنونی بیگانگی و گسست را در بین افراد گسترش می‌دهند. عوامل دیگری که در پیشینه به عنوان علل بیگانگی از مدرسه مورد بررسی قرار گرفته‌اند شامل فرهنگ مدرسه (کالابرس و سلدین، ۴، ۱۹۸۵؛ کالابرس و نوا، ۱۹۹۵)، روابط اجتماعی موجود در مدرسه (نیومن، ۱۹۹۲؛ تیلور، ۱۹۹۹)، تجربیات افراد از تحصیل و مدرسه (اکلز و همکاران، ۱۹۹۳؛ لگالت ۷ و همکاران، ۲۰۰۶؛ پاتریک ۸ و همکاران، ۱۹۹۳؛ اسکینر ۹ و همکاران، ۱۹۹۰)، خصوصیات فردی مانند مانند جنسیت (هاشر و هاگنور ۱۰، ۲۰۱۰؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ شوهو ۱۱، ۱۹۹۶؛ تامی ۱۲ و همکاران، ۲۰۱۵؛ آتافو، ۲۰۱۳؛ کالابرس و سلدین، ۱۹۸۵؛ کالیل و زیول-گست ۱۳، ۲۰۰۸) که در مورد جنسیت توافق‌جمعی در پیشینه وجود ندارد، برخی دانش‌آموزان پسر را بیگانه‌تر دانسته‌اند (هاشر و هاگنور، ۲۰۱۰؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ شوهو، ۱۹۹۷؛ تامی و همکاران، ۲۰۱۵؛ کالیل و زیول -

¹ Parish

² Frosh

³ Ross

⁴ Calabrese & Seldin

⁵ Noboa

⁶ Eccles

⁷ Legault

⁸ Patrick

⁹ Skinner

¹⁰ Hascher & Hagenauer

¹¹ Shoho

¹² Tomé

¹³ Kalil & Ziul-Guest

گست، ۲۰۰۸) و برخی دیگر دریافته‌اند که دانش‌آموزان دختر بیگانگی بیشتری تجربه می‌کنند (آتافو، ۲۰۱۳؛ کالابرس و سلدین، ۱۹۸۵).

بر خلاف پیچیدگی علل بیگانگی دانش‌آموز، پیامدهای بیگانگی از مدرسه پیچیدگی کمتری دارند. برخی از محققان ترک تحصیل را به بیگانگی دانش‌آموز نسبت داده‌اند (کادیوکس، ۱، ۲۰۰۲؛ میوز، ۲، میوز، ۲، ۲۰۰۳؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳). سلاتر^۳ (۲۰۰۳) پرخاشگری را که در اشکال متنوعی ظاهر می‌شود، یکی از پیامدهای بیگانگی دانش‌آموز دانست. همچنین برخی از محققان مشکلات روانی دانش‌آموزان را به بیگانگی دانش‌آموزان از فرآیند یادگیری و محیط آموزشی نسبت داده‌اند (ردن، ۲۰۰۲). براون و همکارانش (۲۰۰۳)، پیامدهای بیگانگی دانش‌آموز «عضویت در گروه‌های خلافکار، خشونت، خرابکاری^۴، غیبت از مدرسه، مدرسه‌گریزی و سایر رفتارهای منحرف» (ص: ۳) دانسته‌اند.

رایج‌ترین پیامد بیگانگی از مدرسه که توافق مناسبی در مورد آن وجود دارد، عملکرد تحصیلی ضعیف و عدم موفقیت تحصیلی است (کرونینگر و لی، ۲۰۰۱؛ وهلج و روتر، ۱۹۸۵؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳). برخی از محققان بیگانگی از مدرسه را به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر ترک تحصیل گزارش کرده‌اند (براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ روای و وایتینگ^۵، ۲۰۰۵؛ تراستی و دولی-دیکی، ۱۹۹۳) و در واقع برخی ترک تحصیل را پیامد درازمدت بیگانگی از مدرسه دانسته‌اند (براون و همکاران، ۲۰۰۳).

مک‌میلان^۶ (۱۹۹۲) فهرستی از رفتارهای مرتبط با بیگانگی از مدرسه ارائه کرد که شامل بدرفتاری، بدرفتاری، افکار خودکشی یا اقدام به خودکشی، احترام قائل نشدن برای مسئولان مدرسه، تعلیق یا اخراج و سوابق تحصیلی ضعیف می‌شود (ص: ۱۱).

پیامدهای بیگانگی دانش‌آموزان از مدرسه را می‌توان به صورت زیر جمع‌بندی کرد:

۱. عدم حس تعلق و تعهد نسبت به مدرسه (برانفبرنر، ۱۹۸۶؛ لاقری و هریس^۱، ۱۹۹۲).

¹ Cadieux

² Muse

³ Slater

⁴ vandalism

⁵ Rovai & Wighting

⁶ McMillan

۲. بدرفتاری و مشکلات رفتاری (بریجلند^۲ و همکاران، ۲۰۰۶؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ کالابرس، ۱۹۸۷؛ کالابرس و رایموند^۳، ۱۹۸۹؛ هاوکینز^۴ و همکاران، ۲۰۰۰؛ سنکی و هون^۵، ۱۹۹۹؛ سو^۶ و سو^۷، ۲۰۰۷؛ تاکر-لد^۷، ۱۹۹۰).
۳. التزام تحصیلی پایین و انطباق دشوار با هنجارهای مدرسه و جامعه (کالابرس، ۱۹۸۷).
۴. عملکرد تحصیلی ضعیف و عدم موفقیت تحصیلی (آتافو، ۲۰۱۳؛ جانسون، ۲۰۰۵؛ کرونینگر و لی، ۲۰۰۱؛ وهلج و روتر، ۱۹۸۵؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳).
۵. عزت نفس و اعتماد به نفس پایین (فاستر و مارتینز^۸، ۱۹۸۵).
۶. کیفیت پایین تکالیف درسی، تعلیق، اخراج و ترک تحصیل (هاوکینز و همکاران، ۲۰۰۰؛ جانسون، ۲۰۰۹؛ مک‌میلان، ۱۹۹۲؛ برانفبرنر، ۱۹۸۶؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ کالابرس، ۱۹۸۷).

ابعاد بیگانگی از مدرسه

در پیشینه تحقیقات آموزشی، مدل‌های بیگانگی سیمن^۹ (۱۹۵۹) و دین (۱۹۶۱) بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مدل سیمن (۱۹۵۹) دارای پنج بُعدی مجزا است که بی‌قدرتی، بی‌معنایی^{۱۰}، بی‌هنجاری، انزوا و بیگانگی از خود^{۱۱}، ابعاد مدل او را تشکیل می‌دهند. اما دین (۱۹۶۱) مدلی سه مقوله‌ای (یعنی، بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی) را پیشنهاد می‌کند. از دهه ۱۹۵۰، محققان (کالابرس، ۱۹۸۷؛ کلارک^{۱۲}، ۱۹۵۹؛ هورتون و تامپسون^{۱۳}، ۱۹۶۲؛ مکی^{۱۴}، ۱۹۷۰؛ آلسن^{۱۵}، ۱۹۶۹؛ شوهو و پتریسکی^{۱۶}، ۱۹۹۶) ابعادی به ابعاد استفاده شده توسط سیمن (۱۹۵۹؛ ۱۹۷۵) و دین (۱۹۶۱) اضافه یا کم کرده‌اند. با این حال در تحقیق کنونی بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی؛ که در

¹ Loughrey & Harris

² Bridgeland

³ Raymond

⁴ Hawkins

⁵ Sankey & Huon

⁶ Suh

⁷ Tucker-Ladd

⁸ Foster & Martinez

⁹ Seeman

¹⁰ meaninglessness

¹¹ self-estrangement

¹² Clark

¹³ Horton & Thompson

¹⁴ Mackey

¹⁵ Olsen

¹⁶ Petrisky

اکثر مفهوم‌پردازی‌های بیگانگی از مدرسه استفاده شده است (سیمن، ۱۹۵۹؛ ۱۹۷۵؛ دین، ۱۹۶۱؛ کالابرس، ۱۹۸۹؛ بورباچ^۱، ۱۹۷۲؛ تامی و همکاران، ۲۰۱۵؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ مائو^۲، ۱۹۹۲؛ کچیرک^۳ و همکاران، ۲۰۱۴؛ کاگلار^۴، ۲۰۱۲)، به عنوان ابعاد بیگانگی مورد استفاده قرار گرفت که در ادامه هر یک از این ابعاد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بی‌قدرتی: افرادی که احساس بی‌قدرتی دارند، خودشان را فردی می‌دانند که هیچ کنترلی بر وقایع زندگی‌شان ندارد (دین، ۱۹۶۱). از سوی دیگر سیمن (۱۹۵۹) بی‌قدرتی را ناتوانی فرد در پیش‌بینی خروجی‌ها یا پاداش‌های حاصل از فعالیتش دانست. اغلب دانش‌آموزانی که احساس بی‌قدرتی دارند؛ به دلیل احساس ناتوانی‌شان در کنترل وقایع، به راحتی از سوی سایر افراد مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند (فترو^۵، ۱۹۸۵؛ سیلورمن^۶ و همکاران، ۱۹۷۰؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳). این دانش‌آموزان اقتدار مدرسه و کارکنان اداری، معلمان و مدیرانش را در حال افزایش می‌بینند (رافالایز و هوی، ۱۹۷۱). این دانش‌آموزان معتقدند که شکایت در مدرسه هیچ اثری ندارد زیرا معلمان و مدیران شکایت‌هایشان را نادیده می‌گیرند (براون و همکاران، ۲۰۰۳).

بی‌هنجاری: افراد بی‌هنجار ارزش‌های اجتماعی‌ای را که هدف زندگی است، نادیده می‌گیرند (دین، ۱۹۶۱). در بی‌هنجاری، افراد نقض قوانین جامعه را مجاز می‌دانند و خود را به صورتی ظاهری با هنجارها تطابق می‌دهند (سیلورمن و همکاران، ۱۹۷۰). در این حالت دانش‌آموزان احساس می‌کنند که رفتارهای تأیید نشده اجتماعی (مانند تقلب در امتحان با هدف به دست آوردن نمرات مناسب یا تحسین معلمان و والدین) برای رسیدن به اهداف مدرسه جایز است (براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ رافالایز و هوی، ۱۹۷۱). این دانش‌آموزان به معلمان و مدیران آن چیزی را می‌گویند که خواهان شنیدن آن باشند (براون و همکاران، ۲۰۰۳).

انزوای اجتماعی: انزوا به جدایی فرد از افرادی اشاره دارد که آن افراد مهم تلقی می‌شوند (مائو، ۱۹۹۲). این افراد احساس تنهایی یا جدایی از هنجارها و استانداردهای گروهی دارند (دین، ۱۹۶۱). به دلیل این جدایی ذهنی یا عینی، این افراد مقدار زیادی از زمانشان را در خلوت به سر می‌برند

¹Burbach²Mau³Kocayörük⁴Çağlar⁵Fetro⁶Silverman

(سیلورمن و همکاران، ۱۹۷۰). این دانش‌آموزان نگران اتمام تحصیل یا موفقیت در مدرسه نیستند و مدرسه و هر آنچه را به آن تعلق دارد، نمی‌پذیرند (براون و همکاران، ۲۰۰۳).

با توجه به رابطه بیگانگی از مدرسه با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان، از سویی بررسی پیامدهای مرتبط با این متغیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر؛ همچنانکه پیش از این اشاره شد، در ادبیات پیشینه داخلی نیز تاکنون تحقیقی به صورت خاص به بررسی رابطه این متغیر (بیگانگی از مدرسه) با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نپرداخته است. بنابراین، در این تحقیق در پی بررسی رابطه بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن با عملکرد تحصیلی هستیم، تا بدین طریق نحوه رابطه بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن (یعنی بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و بی‌معنایی) با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مشخص گردد. در نتیجه؛ هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی تأثیر بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است. فرض بر این بود که احساس بیگانگی، بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی بیشتر دانش‌آموزان، عملکرد تحصیلی ضعیف‌تر آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. همچنین رابطه بیگانگی از مدرسه با جنسیت و پایه تحصیلی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به ادبیات تحقیق و مطالب ذکر شده در بالا، فرضیات زیر پیشنهاد شد:

فرضیه ۱: ابعاد بیگانگی از مدرسه با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ای منفی دارد.

فرضیه ۲: بیگانگی از مدرسه با عملکرد تحصیلی رابطه‌ای منفی دارد.

فرضیه ۳: دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر از مدرسه بیگانه می‌شوند.

فرضیه ۴: دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی، بیگانگی از مدرسه را به صورت‌های متفاوتی تجربه می‌کنند.

نمونه و طرح تحقیق

نمونه آماری این مطالعه از بین دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوم شهرستان خواف در طول سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ انتخاب شد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از ۲۰ مدرسه شرکت‌کننده (۱۲ پسرانه و ۸ دخترانه) به عنوان نمونه تحقیق استفاده شد. ۵۰۰ پرسشنامه تکمیل شد که در نهایت با واریس پرسشنامه‌ها در مرحله کدگذاری و ورود داده‌ها، ۴۳۵ پرسشنامه برای تحلیل نهایی انتخاب شد که شامل ۲۷۷ پسر (۶۳/۷ درصد) و ۱۵۸ دختر (۳۶/۳ درصد) می‌شد. در بین این

دانش‌آموزان، ۱۱۵ دانش‌آموز پایه اول، ۱۲۱ دانش‌آموز پایه دوم، ۱۰۹ دانش‌آموز پایه سوم و ۹۰ دانش‌آموز پایه چهارم بودند. میانگین سن دانش‌آموزان ۱۶/۹ با انحراف معیار ۱/۲ و کمترین و بیشترین سن ۱۵ و ۱۹ بود (به جدول ۱ نگاه کنید).

جدول ۱: آماره‌های توصیفی خصوصیات جمعیت‌شناسی پاسخگویان. میانگین (انحراف استاندارد) یا مجموع (درصد) و بازه

جنسیت	میانگین / مجموع	انحراف استاندارد / درصد	بازه
پسر	۲۷۷	۶۳/۷	
دختر	۱۵۸	۳۶/۳	
سن	۱۶/۸۹	۱/۱۹	۱۵-۱۹
پسر	۱۶/۹۱	۰/۹۴	۱۵-۱۹
دختر	۱۶/۸۷	۱/۵۵	۱۵-۱۹
پایه تحصیلی			
اول متوسطه دوم	۱۱۵	۲۶/۴	
دوم متوسطه دوم	۱۲۱	۲۷/۸	
سوم متوسطه دوم	۱۰۹	۲۵/۱	
چهارم متوسطه دوم	۹۰	۲۰/۷	
معدل	۱۵/۵۲	۲/۱۵	۱۱-۲۰
پسر	۱۴/۵۵	۱/۳۴	۱۱-۲۰
دختر	۱۷/۲۳	۲/۲۵	۱۱-۲۰

به علاوه، تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی نحوه بارگذاری گویه‌ها روی عامل‌ها و اعتبار سازه‌ای، همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده برای بررسی رابطه و تأثیر بیگانگی از مدرسه و ابعادش بر عملکرد تحصیلی، برای بررسی تفاوت بیگانگی از مدرسه دانش‌آموزان دختر و پسر از آزمون تی مستقل و در نهایت تحلیل واریانس یک‌طرفه برای بررسی تفاوت بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن در پایه‌های مختلف تحصیلی استفاده گردید.

ابزار اندازه‌گیری

برای طراحی پرسشنامه بیگانگی از مدرسه، از مدل سیمن (۱۹۵۹؛ ۱۹۷۵)، دین (۱۹۶۱) و پیشنهادهای براون و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شد که در نهایت پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۱۸ گویه با مقیاس لیکرتی پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) دارای سه بعد بی‌قدرتی (هفت گویه)، بی‌هنجاری (چهار گویه) و انزوای اجتماعی (هفت گویه) طراحی شد که ضریب آلفای کرونباخ این ابعاد به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۹۶ و ۰/۹۷ بدست آمد که پایایی مناسب پرسشنامه را نشان می‌دهد. به این پرسشنامه چهار سؤال جمعیت‌شناسی (یعنی جنسیت، سن، پایه تحصیلی و خود اظهاری معدل) اضافه شد.

تحلیل عاملی تأییدی برای آزمون اعتبار سازه‌ای پرسشنامه اجرا شد. شاخص‌های برازش، برازش مناسب پرسشنامه را نشان دادند: $\chi^2 = 245/16$ ($df = 132, p < 0/001$)، شاخص نیکویی برازش $1 = 0/94$ ، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده $2 = 0/92$ ، و شاخص برازش تطبیقی $3 = 0/98$ ، و $RMSEA = 0/04$. هر چند آماره خی دو معنی‌دار شده است و این امر نشان‌دهنده برازش نامناسب مدل است؛ اما به دلیل حساسیت بالای آن، از سایر شاخص‌ها استفاده می‌شود که بر اساس مقادیر این شاخص‌ها می‌توان نتیجه گرفت که برازش مناسب مدل تأیید می‌گردد؛ به عبارت دیگر پرسشنامه طراحی شده برای سنجش بیگانگی از مدرسه اعتبار سازه‌ای مناسبی دارد.

عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با استفاده از خود اظهاری معدل دانش‌آموزان بررسی گردید. معدل در نظام آموزش و پرورش ایران نشان‌دهنده عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است که بازه بالقوه معدل از ۰ تا ۲۰ است که بازه معدل در نمونه تحقیق ۱۱ تا ۲۰ بود.

یافته‌ها

جدول ۲ آماره‌های توصیفی بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن را برای کل نمونه و به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، میانگین دانش‌آموزان پسر در سه متغیر بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی و بیگانگی از مدرسه بالاتر از دانش‌آموزان دختر است، در حالی که میانگین بی‌قدرتی

¹ goodness-of-fit index (GFI)

² adjusted goodness-of-fit index (AGFI)

³ comparative fit index (CFI)

دانش‌آموزان دختر بالاتر از دانش‌آموزان پسر است که در جدول ۴ معنی‌دار بودن یا نبودن این تفاوت‌های میانگین با استفاده از آزمون تی مستقل ارائه شده است.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق. میانگین، انحراف استاندارد و بازه

بازه	انحراف استاندارد	میانگین	
۵/۰-۱/۱	۰/۸۴	۲/۶۶	بی‌قدرتی
۴/۷-۱/۱	۰/۷۰	۲/۲۸	پسر
۵/۰-۱/۳	۰/۶۷	۳/۳۱	دختر
۵/۰-۱/۰	۱/۲۶	۳/۲۹	بی‌هنجاری
۵/۰-۱/۰	۱/۱۹	۳/۵۷	پسر
۵/۰-۱/۰	۱/۲۲	۲/۸۱	دختر
۵/۰-۱/۱	۱/۲۲	۳/۱۶	انزوای اجتماعی
۵/۰-۱/۰	۱/۰۶	۳/۶۸	پسر
۴/۷-۱/۱	۰/۹۴	۲/۲۷	دختر
۳/۹-۱/۸	۰/۳۸	۳/۰۲	بیگانگی از مدرسه
۳/۹-۲/۲	۰/۳۵	۳/۱۵	پسر
۳/۹-۱/۸	۰/۳۲	۲/۸۰	دختر

روابط بین متغیرهای تحقیق

همبستگی (پیرسون) بین متغیرهای تحقیق در جدول ۳ قابل مشاهده است. روابط بین بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن بدین ترتیب است که بی‌قدرتی فقط با انزوای اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار دارد ($p < 0/01$). بی‌هنجاری همبستگی منفی با انزوای اجتماعی و همبستگی مثبت با بیگانگی از مدرسه دارد ($p < 0/01$). انزوای اجتماعی با دو بعد دیگر بیگانگی؛ یعنی بی‌قدرتی و بی‌هنجاری، همبستگی منفی و معنی‌داری دارد، اما همانند بی‌هنجاری، رابطه مثبت معنی‌داری با بیگانگی از مدرسه دارد ($p < 0/01$). رابطه جنسیت با بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن بدین صورت است که بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی و بیگانگی از مدرسه با جنسیت رابطه مثبت و معنی‌داری دارند ($p < 0/01$). ولی همبستگی منفی و معنی‌داری بین جنسیت و بی‌قدرتی وجود دارد ($p < 0/01$). معدل و بی‌قدرتی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارند و بین معدل با انزوای اجتماعی و بیگانگی از مدرسه

رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده شد ($p < 0/01$). در نهایت، بین سن و سایر متغیرها همبستگی معنی‌داری وجود نداشت ($p > 0/05$).

با توجه به همبستگی‌های موجود بین بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن می‌توان دریافت که در فرضیه اول مبنی بر رابطه منفی بین ابعاد بیگانگی از مدرسه و عملکرد تحصیلی (معدل) تنها بین دو متغیر بی‌قدرتی و عملکرد تحصیلی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). با این حال رابطه منفی بین انزوای اجتماعی و عملکرد تحصیلی، و در فرضیه دوم رابطه منفی بین بیگانگی از مدرسه و عملکرد تحصیلی، با ۹۹ درصد اطمینان تأیید شد. علاوه بر این برای آزمون دقیق فرضیه دوم که فرضیه اصلی تحقیق بود، رگرسیون خطی ساده اجرا شد که تأثیر منفی بیگانگی از مدرسه بر عملکرد تحصیلی مورد تأیید قرار گرفت ($R^2 = 0/07$, $p < 0/001$, $B = -1/51$). علاوه بر این، بین معدل و بی‌هنجاری نیز رابطه معنی‌داری وجود نداشت ($p > 0/05$).

جدول ۳: همبستگی بین متغیرهای تحقیق

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						۱	۱. بی‌قدرتی
					۱	-0/05	۲. بی‌هنجاری
				۱	-0/30**	-0/69**	۳. انزوای اجتماعی
			۱	0/20**	0/73**	-0/03	۴. بیگانگی کلی
		۱	0/44**	0/55**	0/29**	-0/59**	۵. جنسیت
	۱	0/01	-0/01	-0/05	0/02	0/02	۶. سن
۱	0/06	-0/60**	-0/26**	-0/44**	-0/06	0/34**	۷. معدل

$P < 0/05$; $P < 0/01$ **

توجه: گروه مرجع در جنسیت، پسران هستند.

تفاوت‌های جنسیتی

در فرضیه سوم، فرض کردیم که پسران در مقایسه با دختران بیشتر از مدرسه بیگانه می‌شوند. با توجه به اینکه در این فرضیه دو گروه مستقل وجود داشت، آزمون تی مستقل برای مقایسه دختران و پسران اجرا شد (جدول ۳). نتایج حاصل از داده‌های نمونه نشان داد که دانش‌آموزان دختر و پسر نه تنها بیگانگی متفاوتی از مدرسه را تجربه کرده‌اند، بلکه بین آن‌ها در ابعاد بیگانگی نیز تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). در سه متغیر بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی و بیگانگی از مدرسه،

دانش آموزان پسر نمرات بیشتری کسب کرده‌اند، این در حالی است که دانش آموزان دختر بی‌قدرتی بیشتری نسبت به دانش آموزان پسر تجربه کرده‌اند ($p < 0/01$). با توجه به نتایج جدول ۳، فرضیه سوم مبنی بر اینکه پسران بیگانگی بیشتری از مدرسه نسبت به دختران تجربه می‌کنند، با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد.

جدول ۴: تفاوت دختران و پسران در بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن

اختلاف	t (درجه آزادی)	میانگین (انحراف استاندارد)		
		دختران	پسران	
۱/۰۳	$t(427) = 14/97^{***}$	۳/۳۱ (۰/۶۷)	۲/۲۸ (۰/۷۰)	بی‌قدرتی
-۰/۷۵	$t(427) = -6/22^{***}$	۲/۸۱ (۱/۲۲)	۳/۵۷ (۱/۱۹)	بی‌هنجاری
-۱/۴۱	$t(424) = -13/72^{***}$	۲/۲۷ (۰/۹۴)	۳/۶۸ (۱/۰۶)	انزوای اجتماعی
-۰/۳۵	$t(337/17) = -10/34^{***}$	۲/۸۰ (۰/۳۲)	۳/۱۵ (۰/۳۵)	بیگانگی کلی

$P < 0/05^{**}; P < 0/01^{***}$

تفاوت پایه‌های مختلف تحصیلی

در فرضیه چهارم مدعی شدیم که بیگانگی از مدرسه تجربه شده توسط دانش آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی متفاوت است. برای بررسی این فرضیه، تحلیل واریانس یک‌طرفه با آزمون تعقیبی توکی اجرا شد. نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول ۴ نمایش داده شده است. با اطمینان ۹۹ درصد دانش آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی هم بیگانگی از مدرسه متفاوتی تجربه کرده‌اند و هم در ابعاد سه گانه بیگانگی (یعنی بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی) نمرات متفاوتی را کسب کرده‌اند. مقایسه‌های چندگانه نیز با استفاده از آزمون تعقیبی توکی صورت گرفت.

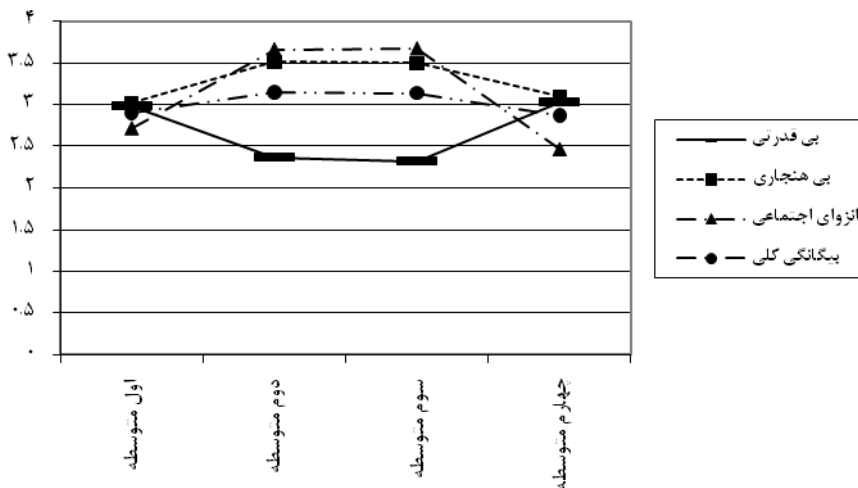
جدول ۵: تفاوت دانش آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی در بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن

F (درجات آزادی)	میانگین (انحراف استاندارد)				
	چهارم متوسطه	سوم متوسطه	دوم متوسطه	اول متوسطه	
$F(3, 425) = 25/34^{***}$	۳/۰۲ (۰/۸۱)	۲/۳۲ (۰/۷۱)	۲/۳۶ (۰/۷۱)	۲/۹۸ (۰/۸۹)	بی‌قدرتی
$F(3, 425) = 4/88^{***}$	۳/۰۹ (۱/۲۸)	۳/۵۰ (۱/۲۱)	۳/۵۱ (۱/۲۳)	۳/۰۲ (۱/۲۵)	بی‌هنجاری
$F(3, 422) = 33/24^{***}$	۲/۴۷ (۱/۰۵)	۳/۶۷ (۱/۱۳)	۳/۶۶ (۱/۱۱)	۲/۷۲ (۱/۱۱)	انزوای اجتماعی
$F(3, 411) = 17/85^{***}$	۲/۸۷ (۰/۳۶)	۳/۱۴ (۰/۳۵)	۳/۱۵ (۰/۳۶)	۲/۹۰ (۰/۳۵)	بیگانگی کلی

$P < 0/05^{**}; P < 0/01^{***}$

مقایسه‌های چندگانه با استفاده از آزمون تعقیبی توکی نشان داد که دانش‌آموزان اول با چهارم و دوم با سوم در بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن اختلاف میانگین معنی‌داری نداشتند ($p > 0/05$)؛ در حالی که اختلاف میانگین دانش‌آموزان اول و چهارم با دانش‌آموزان دوم و سوم معنی‌داری بود ($p < 0/01$)؛ به عبارت دیگر دانش‌آموزان اول و چهارم متوسطه بیگانگی از مدرسه، بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی مشابهی تجربه کرده‌اند و دانش‌آموزان دوم و سوم متوسطه نمرات بیگانگی از مدرسه، بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی تقریباً مشابهی بدست آورده‌اند.

با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه می‌توان نتیجه گرفت که بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی و بیگانگی از مدرسه در دو مقطع میانی متوسطه دوم افزایش می‌یابد و سپس در سال پایانی مقطع متوسطه دوم کاهش می‌یابد؛ البته با توجه به نتایج جدول ۵، این رابطه بین پایه تحصیلی و بی‌قدرتی عکس سه متغیر قبلی است؛ به این ترتیب که بی‌قدرتی در پایه‌های میانی متوسطه دوم کاهش و مجدداً در سال چهارم مقطع متوسطه دوم افزایش می‌یابد. رابطه بین مقطع تحصیلی با بیگانگی از مدرسه و ابعاد آن در تصویر ۱ نمایش داده شده است.



تصویر ۱. رابطه بیگانگی و ابعاد آن با پایه تحصیلی

بحث و نتیجه‌گیری

سه هدف اصلی این تحقیق (۱) بررسی نحوه رابطه بین بیگانگی از مدرسه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان؛ (۲) تفاوت‌های جنسیتی بیگانگی از مدرسه دانش‌آموزان؛ و (۳) تفاوت دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی در میزان بیگانگی، بود. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که بیگانگی از مدرسه به تنهایی ۷ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین می‌کند که با اضافه شدن سایر ابعاد بیگانگی از مدرسه (بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی) به مدل، ۱۶ درصد به قدرت مدل در تبیین واریانس معدل به عنوان شاخص عملکرد تحصیلی اضافه شد. در نتیجه بر اساس یافته‌ها می‌توان انتظار داشت که هر چه میزان بیگانگی دانش‌آموزان از مدرسه و فرآیند یادگیری افزایش یابد، عملکرد تحصیلی آن‌ها افت پیدا می‌کند که در اکثر تحقیقات به این رابطه بیگانگی از مدرسه و عملکرد تحصیلی اشاره شده است (کرونینگر و لی، ۲۰۰۱؛ وهلج و روتر، ۱۹۸۵؛ براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ آتافو، ۲۰۱۳؛ جانسون، ۲۰۰۵، کلمن و همکاران، ۱۹۶۶). البته در تحقیقات پیشین کمتر به رابطه ابعاد بیگانگی از مدرسه و عملکرد تحصیلی اشاره شده است که نتیجه جالب در این قسمت همبستگی مثبت بین بی‌قدرتی و عملکرد تحصیلی بود، این نتیجه با یافته‌های کلمن و همکاران (۱۹۶۶) و اسکینر و همکاران (۱۹۹۰) تناقض دارد. البته دلیل این رابطه را می‌توان به رابطه بی‌قدرتی با جنسیت نسبت داد؛ زیرا بر خلاف بیگانگی از مدرسه و دو بعد بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی، بی‌قدرتی دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر بود که تامی و همکاران (۲۰۱۵) نیز به نتیجه‌ای مشابه اشاره کردند و از سوی دیگر عملکرد تحصیلی دختران به صورتی معنی‌دار بهتر از پسران بود که حاصل این دو یافته همبستگی مثبت بین بی‌قدرتی و عملکرد تحصیلی بود.

در بررسی فرضیه دیگر تحقیق مبنی بر تفاوت بیگانگی از مدرسه دانش‌آموزان دختر و پسر، یافته‌ها نشان دادند که دانش‌آموزان دختر و پسر نه تنها بیگانگی از مدرسه متفاوتی دارند، بلکه در ابعاد بیگانگی از مدرسه؛ یعنی بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی، نیز متفاوت هستند که یافته تحقیق در تحقیقات پیشین نیز تصدیق شده است (براون و همکاران، ۲۰۰۳؛ ۵۲۰۰۳؛ شوهو، ۱۹۹۶؛ ۱۹۹۷؛ ولفستتر-کش و گیر، ۱۹۸۱؛ کالابرس و پو، ۱۹۹۰؛ هاشر و هاگنور، ۲۰۱۰؛ تامی و همکاران، ۲۰۱۵؛ کالیل و زیول-گست، ۲۰۰۸؛ کالار، ۲۰۱۳؛ ویلیامسون و گولینگفورد، ۱۹۹۸). همچنین این نکته مشخص شد که دانش‌آموزان پسر در بیگانگی از مدرسه، بی‌هنجاری و انزوای

¹ Wolfstetter-Kausch & Gaier

² Poe

اجتماعی در مقایسه با دختران نمرات بالاتری کسب کرده‌اند، اما احساس بی‌قدرتی دختران بیشتر از پسران است که این یافته‌ها با یافته‌های براون و همکاران (۲۰۰۳)، شوهو (۱۹۹۶)، هاشر و هاگنور (۲۰۱۰)، تامی و همکاران (۲۰۱۵)، کالیل و زیول-گست (۲۰۰۸)، کاکلار (۲۰۱۳) و ویلیامسون و گولینگفورد (۱۹۹۸) همسان بود، اما با یافته‌های محققانی مانند ولفستر-کش و گیر (۱۹۸۱)، کالابرس و پو (۱۹۹۰)، کالابرس و سلدین (۱۹۸۵) و آتافو (۲۰۱۳) تناقض داشت. با وجود توافق نسبی موجود در مورد تفاوت‌های جنسیتی در مورد اندازه‌های بیگانگی، برخی از محققان همانند اُزین^۱ (۲۰۰۹)، تفاوت‌های جنسیتی اندکی در اندازه‌های بیگانگی گزارش کرده‌اند.

هدف دیگر تحقیق مقایسه بیگانگی از مدرسه پایه‌های مختلف تحصیلی مقطع متوسطه دوم بود. تحلیل‌های آماری مشخص کرد که پایه‌های مختلف تحصیلی نمرات بیگانگی متفاوتی کسب کرده‌اند؛ به عبارت دیگر می‌توان بین سن و بیگانگی از مدرسه رابطه‌ای منحنی شکل متصور شد (مارتین^۲ و همکاران، ۱۹۷۴). البته بر خلاف‌های یافته‌های مارتین و همکاران (۱۹۷۴) دانش‌آموزان پایه‌های میانی مقطع متوسطه دوم بیگانگی بالاتر داشتند و در سال ابتدایی و انتهایی مقطع متوسطه دوم بیگانگی از مدرسه کمتری نشان داده‌اند. رابطه بین بیگانگی از مدرسه، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی با پایه‌های تحصیلی مشابه بود، به این ترتیب که در سال‌های میانی دوره متوسطه دوم افزایش یافته‌اند و مجدداً در سال پایانی مقطع متوسطه دوم کاهش می‌یابند و این در حالی است که احساس بی‌قدرتی بر خلاف سه متغیر دیگر، در سال‌های میانی مقطع متوسطه دوم یعنی پایه‌های دوم و سوم کاهش می‌یابد و مجدداً در سال پایانی مقطع متوسطه دوم روندی صعودی را نشان داد. البته برخی از محققان مانند اُزین (۲۰۰۹) دریافته‌اند که بین سن و بیگانگی رابطه‌ای معکوس وجود دارد، بدین ترتیب که با افزایش سن میزان بیگانگی فرد کاهش می‌یابد که این نتیجه با یافته‌های تحقیق کنونی در تناقض است.

در این تحقیق، نمونه مطالعه شده شامل دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوره دوم شهر خواف بود. بنابراین تعمیم یافته‌ها به دانش‌آموزانی از شهرها، کشورها یا فرهنگ‌های مختلف دارای محدودیت است. علاوه بر این، ایران از جمله کشورهایی است که دارای تنوع قومی است، اما مطالعه کنونی تنها

¹ Osin

² Martin

شرکت‌کنندگانی از اکثریت فارس را در بر داشت. در تحقیقات آتی، محققان بهتر است تنوع نژادی، قومی، زبانی و فرهنگی بیشتر در نمونه‌هایشان در نظر گیرند.

از سوی دیگر با توجه به رابطه مثبت بین بی‌قدرتی و عملکرد تحصیلی، نحوه رابطه بین این دو متغیر در تحقیقات بعدی باید با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بر اساس نتایج این تحقیق که در تحقیقات پیشین نیز مورد تأیید قرار گرفته است، بین بیگانگی از مدرسه و عملکرد تحصیلی رابطه‌ای منفی وجود دارد؛ در نتیجه وجود بیگانگی دانش‌آموزان و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی با اطمینان بالایی وجود دارد و تحقیقات آتی در زمینه بیگانگی از مدرسه بهتر است به بررسی علل بیگانگی از مدرسه در سطوح مختلف تحلیل خرد، میانه و کلان بپردازند.

کتابنامه:

- امانی ساری بگلو، جواد؛ سپهریان آذر، فیروزه، و واحدی، شهرام (۱۳۹۳). تحلیل چندسطحی از خودبیگانگی تحصیلی نوجوانان: نقش فرهنگ مدرسه و نیازهای روان‌شناختی اساسی. *فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۲ (۵)، ۴۳-۵۴.
- بیرامی، منصور؛ امانی ساری بگلو، جواد؛ میرنسب، میرمحمود، و صالح نجفی (۱۳۹۳). فرهنگ سازمانی دانشگاه و از خودبیگانگی تحصیلی دانشجویان: نقش واسطه‌ای اهداف تسلط. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۷ (۲۸)، ۱۷۷-۱۹۴.
- ذکایی، محمدسعید، و اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۹۰). جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴ (۱۶)، ۵۵-۹۰.
- خمیس پور، زهرا (۱۳۹۳). نقش سبک‌های فرزند پروری در هویتیابی و از خودبیگانگی دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر دولتی. پایان نامه ارشد. دانشگاه محقق اردبیلی.
- قلاوندی، حسن؛ امانی ساری بگلو، جواد؛ غلامی، محمدتقی، و اکبری سوره، پروا (۱۳۹۲). فرهنگ مدرسه و از خودبیگانگی تحصیلی: نقش واسطه‌ای نیازهای روانشناختی اساسی. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۶ (۲۴)، ۹۹-۱۱۶.
- موسوی، سیدکمال‌الدین، و حیدرپور مرند، سکینه (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی تحصیلی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۵۶ (۵۶)، ۳۱-۷۱.
- Atnafu, M. (2013). Motivation, Social Support, Alienation from the School and their Impact on Students' Achievement in Mathematics: The Case of Tenth Grade Students. *Ethiopian Journal of Education and Sciences*, 8(1), 53-74.
- Bridgeland, J. M., DiIulio Jr, J. J., & Morison, K. B. (2006). The silent epidemic: Perspectives of high school dropouts. A report by Civic Enterprises in association with Peter D. Hart Research Associates for the Bill and Melinda Gates Foundation. March.
- Brown, M. R., Higgins, K., & Paulsen, K. (2003). Adolescent Alienation What Is It and What Can Educators Do About It? *Intervention in School and Clinic*, 39(1), 3-9.
- Brown, M. R., Higgins, K., Pierce, T., Hong, E., & Thoma, C. (2003). Secondary students' perceptions of school life with regard to alienation: The effects of disability, gender and race. *Learning Disability Quarterly*, 26(4), 227-238.

- Cadieux, C. P. (2002). *Variables Associated with a Sense of Classroom Community and Academic Persistence in an Urban Community College Online Setting*. Doctoral dissertation submitted to Old Dominion University, Virginia, ERIC Document Reproduction Service No. Ed474545.
- Çağlar, Ç. (2012). Development of the student alienation scale (SAS). *Education and Science, 37*(166), 195-205.
- Çağlar, Ç. (2013). The Relationship between the Perceptions of the Fairness of the Learning Environment and the Level of Alienation. *Eurasian Journal of Educational Research, 50*, 185-206.
- Castro, M., Expósito-Casas, E., López-Martín, E., Lizasoain, L., Navarro-Asencio, E., & Gaviria, J. L. (2015). Parental involvement on student academic achievement: A meta-analysis. *Educational Research Review, 14*, 33-46.
- Dronkers, J., & Van der Velden, R. (2013). *Positive but also negative effects of ethnic diversity in schools on educational performance? An empirical test using PISA data*. Integration and inequality in educational institutions (pp. 71-98): Springer.
- Hascher, T., & Hagenauer, G. (2010). Alienation from school. *International journal of educational research, 49*(6), 220-232.
- Horton, J. E., & Thompson, W. E. (1962). Powerlessness and political negativism: A study of defeated local referendums. *American Journal of Sociology, 67*(5), 485-493.
- Johnson, G. M. (2005). Student alienation, academic achievement, and WebCT use. *Journal of Educational Technology & Society, 8*(2), 179-189.
- Johnson, L. S. (2009). School Contexts and Student Belonging: A Mixed Methods Study of an Innovative High School. *School Community Journal, 19*(1), 99-118.
- Kocayörük, E., Uzman, E., & Mert, A. (2014). How the attachment styles associated with Student Alienation: The Mediation Role of Emotional Well-being. *International Journal of Progressive Education, 10*(3), 34-46.
- Konan, P. N. D., Chatard, A., Selimbegović, L., & Mugny, G. (2010). Cultural Diversity in the Classroom and its Effects on Academic Performance. *Social Psychology, 41*(4), 230-237.
- Lepp, A., Barkley, J. E., & Karpinski, A. C. (2014). The relationship between cell phone use, academic performance, anxiety, and satisfaction with life in college students. *Computers in Human*

- Behavior*, 31, 343-350.
- Li, J., Lepp, A., & Barkley, J. E. (2015). Locus of control and cell phone use: Implications for sleep quality, academic performance, and subjective well-being. *Computers in Human Behavior*, 52, 450-457.
- Mahmoudi, H., Brown, M. R., Saribagloo, J. A., & Dadashzadeh, S. (2015). The Role of School Culture and Basic Psychological Needs on Iranian Adolescents' Academic Alienation: A Multi-Level Examination. *Youth & Society*, 0044118X15593668.
- Prokic-Breuer, T., & Dronkers, J. (2012). The high performance of Dutch and Flemish 15-year-old native pupils: Explaining country differences in math scores between highly stratified educational systems. *Educational Research and Evaluation*, 18(8), 749-777.
- Tomé, G., de Matos, M. G., Camacho, I., Simões, C., Gomes, P., & de Almeida, J. C. (2015). Strangers, Powerless and Hopeless in their Own Town: Alienation among Adolescents in Times of Recession. *British Journal of Education, Society & Behavioural Science*, 8(4), 247-255.
- Tomul, E., & Polat, G. (2013). The effects of socioeconomic characteristics of students on their academic achievement in higher education. *American Journal of Educational Research*, 1(10), 449-455.
- Weiss, C. C., & García, E. (2015). Student Engagement and Academic Performance in Mexico: Evidence and Puzzles from PISA. *Comparative Education Review*, 59(2), 305-331.

